

سفرنامه الکساندر برنز (1834 م)  
برگردان: دکتر لعل زاد  
لندن، می 2014  
فصل سیزدهم - در باره قدرت کندز

ریاست کندز و وسعت آن

قلمروهای کندز در بین کابل و بخارا قرار دارد. من تحت این نام تمام ممالکی را در نظر دارم که در شمال هندوکش و جنوب اکسوس تا غرب شهر بلخ قرار دارند. این محدوده یک ریاست دارد که توسط یک خانواده از بیگ اداره شده، در این اواخر قدرت خود را گسترش داده و حالا نفوذ بزرگی بالای این ممالک دارد. این خانواده عبارت از قبیله قتغن می باشد؛ نام رئیس آن محمد مراد بیگ بوده و توسط رعیتش به لقب میر شناخته میشود. تا زمان چندین دور قدرت این قبیله محدود به کندز بود، اما این رئیس توانسته، قدرت خود را بالای تمام دولت های همسایه گسترش دهد؛ او حالا خلم، ایبک، غوری، اندراب، تالقان و حضرت امام را در اختیار داشته، آقای وادی اکسوس علیا و دریاها را معاون آن است. شهر بلخ نیز در دست او است؛ او خود را با تخلیه یا بیرون کردن بخش بزرگ مردم و انتقال آنها به ساحات دیگر اشغالی خود راضی ساخته است. او همچنان سلطنت بزرگ بدخشان را ضعیف ساخته و در حال حاضر در عملیات بر ضد دولت های کوهستانی در شمال اکسوس مصروف است. ناحیه کولاب که یکی از این ها بوده و در بین درواز و شغنان قرار دارد، هم اکنون در تصرف او است. قدرت او در جنوب تا سیغان (در 30 میلی بامیان) و در امتداد دو معبر هندوکش گسترش دارد.

صعود مراد بیگ

مردم این قلمرو ها عمدتاً متشکل از تاجیک ها است که بومیان اصلی مملکت بوده و کتله کامل مردم بدخشان را تشکیل میدهد. از بیگ ها یک بخش بسیار کوچک مردم را در مقایسه با آنها می سازند.

رئیس کندز صعود فعلی خود را به هنگام مرگ قلیچ علی بیگ یک رئیس مشهور از بیگ بدست می آورد که برای مدت طولانی بحیث و ابستنه اسمی شاه کابل در بلخ حاکم بوده است. مراد بیگ کندز یک فرمانده دومی تحت امر این رئیس بوده است.

به هنگام مرگ او که بیش از 8 سال از آن میگذرد، مراد بیگ در توطیه با اعضای مختلف خانواده او سرانجام در ایجاد قدرت خود پیروز می گردد. حالا پسران قلیچ علی بیگ خلم و ایبک را به حیث تابعان او اداره می کنند. قتغن ها همیشه صاحب نفوذ در بین از بیگ ها بوده، اما مراد بیگ اولین فرد خانواده یا هموطنان او است که چنان یک قلمرو وسیع را ایجاد کرده است. این قبیله دارای منشای مغولی بوده و طوریکه گفته میشود اینها و قلماق ها اولاده یک طایفه اند. آنها در مهد فعلی خویش در سده 16 یکجا با مردم بزرگ از بیگ که اولاده تیمور را از سلطنت پدری خویش اخراج کردند، وارد شدند. قرار معلوم کندز دورترین محل تهاجم ایشان بوده است، زیرا از بیگ ها در بدخشان یا جنوب هندوکش مسکون نیستند. حکومت رئیس فعلی را میتوان نسبتاً مستحکم دانست: زیرا تدابیر او شدید و نیرومند است.

سیاست و قدرت رئیس

بخش اعظم قدرت میر کندز مرهون سیاست او در قبال کسانی است که رعیت او شده اند. او روسای قبلی را در قدرت نگه داشته است، اما با قرار دادن یک بخش سربازان خود و مراقبت قسمی آنها در آن مملکت و به مصرف آنها. او به اینترتیب قوت خود را افزایش داده و ساحات جدید اشغالی خویش را بدون خطر قیام حفظ می کند. نیروهای او حدود 20 هزار اسپ و 6 عدد توپخانه است که یکی از آنها 36 پونده است. او هیچ پیاده ندارد، چون از بیگ ها با وجود داشتن آن شاخه ارتش دانش اندکی در باره کاربرد توپ دارند، با وجودیکه داشتن توپ تضمین کننده پیروزی است. من همچنان باید به اعتبار رئیس علاوه کنم که او توپ بزرگ را تا به سارباغ یعنی حدود 50 میل در داخل هندوکش با خود برده بود. این اسلحه توسط نادرشاه از پارس و از مسیر مشهد، سرخس و میمنه تا بلخ آورده شده که میتواند نشان دهنده اثبات عملی خوب بودن مسیر و کالیبری باشد که میتواند ببیماید. سواره نیزه های سنگین را انتقال میدهد؛ بعضی ها تفنگ فتیله دارند، اما بخش بزرگ آنها غیر مجهز و آماده جنگ اند، با وجودیکه در مقایسه با مخالفان ایشان برتری زیادی دارند. او این سربازان را

با یکمقدار غله تامین نموده و تمام فرماندهان و یک بخش افراد را در حضور دایمی خویش نگه میدارد. مراد بیگ یک زندگی بسیار فعال را رهبری کرده و شخصا داخل میدان جنگ می شود؛ او بطور ثابت اسپ های خویش را برای تهاجم، غارت و غنایم به شمال اکسوس در همسایگی بلخ و مملکت هزاره ها میفرستد (طوری که آنرا بنام "چپاول" مینامند). از آنجائیکه این مردم مسلمانان شیعه اند، آنها بدون هیچگونه ترحمی اسیر شده، یا توزیع می گردند و یا به فروش می رسند. ذخیره دیگر این بدبختان بیچارگان از چترال تهیه می شود، یک دولت کوهستانی در شرق بدخشان که رئیس او باج خود را از موجودات انسانی می پردازد. او فقط کاروان های را که از طریق قلمروی او عبور می کنند، از این حملات معاف ساخته و همچنان به مقابل اخاذی توسط روسای که مربوط اوست، محافظت می کند. او هیچ یا کمترین ارتباط با قدرت های همسایه دارد. با مقامات چینی در یارکند که تجارت بزرگی با آنها وجود دارد، تبادل تحایف وجود داشته و رئیس کندز یکبار سفیری به ارتباط حفاظت راه ها می فرستد که توسط دزدان در آنطرف اکسوس مزاحمت میشده است. هیچ صمیمیتی با شاه بخارا ندارد، زیرا آنها از یکدیگر می ترسند. مراد بیگ بطور ثابت تاخت و تازهای به ولایات بلخ انجام می دهد و حاکم آن شهر خود را با فرار نجات میدهد. افغان ها با یک سلسله بزرگ کوهستان ها از کندز جدا گردیده، مملکت بدخشان در شرق آن نیز فوق العاده دشوار بوده و با کوه های مرتفع بیلوت جدا شده است. با آنها رئیس کندز از این سلسله ها عبور کرده و بالای چترال حمله نموده است. او همچنان بعضی اوقات به مملکت کافر های سیاهپوش تاخت و تازهای انجام داده که در هندوکش مسکون اند؛ اما آخرین کمپاین او در این بخش حدود چهار سال قبل زیاد موفقانه نبوده است. کافر ها اجازه میدهند که سربازان او بداخل کوهها پیشروی کنند و بعدا بالای آنها حمله می کنند. توفان برفی برپا شده و از 4 هزار اسپ، حدود نیم آن توانائی رهائی خویش را نداشته و قربانی جسارت خویش میشوند.

### عواید کندز

عواید این قلمرو به غله پرداخت میشود. در اینجا وفرت غله و مایحتاج زندگی وجود دارد؛ اما پول فوق العاده کمیاب است. هیچ چیزی نمی تواند این موضوع را چنین قناعت بخش اثبات کند، زیرا سکه که حالا در جریان است، مربوط یک امپراتور دهلی قبل از عصر نادر می باشد. مقدار زیاد تجملات با ارسال بردگان و حیوانات به مارکیت بخارا از آنجا اشتقاق می شود. در چنین شرایطی مشکل است بتوان تخمینی از عواید کندز بدست آورد. مراد بیگ برای یک از بیگ، ثروتمند محاسبه می شود. او خواستار یکسوم تولیدات از خاک رعیت خود می باشد. کندز در برنج بسیار غنی است و مقدار زیاد ابریشم در سواحل اکسوس تولید می شود. بدخشان که زمانی یک مملکت بسیار پربار و بارور بوده، تقریبا بدون سکنه شده و شدیداً قدرت کندز را احساس می کند. حاکم آن یکی از کسانی که خود را اولاده الکساندر بزرگ میدانند، برکنار شده و بخش اعظم مردم آن از وادی زیبای ایشان به محوطه کندز آورده شده است. لذا بدخشان هیچگونه باجی نپرداخته و توسط اسپ های از بیگ ها اشغال شده که سهم بیشتری در ویرانی آن بازی می کند. از معادن لعل و یاقوت آن در جای دیگری بحث خواهم کرد. تمام امورات محمد مراد بیگ توسط یک هندو بنام اتمارام یک بومی پشاور اداره می شود که دارای لقب دیوان بیگی است. او یک شخص نسبتاً با استعداد بوده و دارای نفوذ نامحدود است. او از منشاوی وسطی صعود نموده است. هندوان در بین از بیگ ها خوار شمرده شده و هرگز اجازه ندارند که لنگی ببوشند؛ اما این وزیر نه تنها امتیاز خود را حفظ کرده، بلکه این امتیاز را برای تمام خدمه ها و قبیله که با او زندگی می کند نیز تامین کرده است. او حدود 400 برده در خانه خود دارد که تحفه آقای سخاوتمند او بوده و همچنان خود را از ثروت زیادی بهره مند ساخته است؛ اما شایستگی او قابل ارجح و جایزه است. از بیگ ها توانائی پیشبرد مسایل دولتی را ندارند؛ زیرا آنها به استثنای ملاها بدون سواد و آموزش اند. لذا مراد بیگ اثبات تفوق بدون تردید خود را در انتخاب چنین مرد برای پیشبرد حکومت خود نشان داده است. بخاطر او است که بزرگان حفاظت اموال خود را داشته و خود رئیس بدون هیچ دشمنی در ممالکی سلطنت می کند که او تابع ساخته است.

### خصوصیات مراد بیگ

از آنجائیکه مسایل زیادی به شایستگی شخصی یک رئیس مربوط میشود که یک مملکت متشکل از چنین موارد را اداره می کند، ما باید خصوصیت او را با دلچسپی زیادی در نظر گیریم. خصایل مراد بیگ که دارای برجستگی های زیادی است، خالی از تناقضات نیز نیست. او گاهی ظالم و بخشنده است: او تمام تهاجمات غارتگری را تشویق نموده و غنایم را با وحشیانی که آنها را تامین می کند، تقسیم می نماید. با قدرتی که ملکیت های خود را با برتری نگه میدارد، او هم مال و هم قدرت واگذار می کند، البته با طبیعت محدود، برای افرادی که در اکثر حکومت های آسیائی مرگ است. من به استثنای اخراج اجباری باشندگان یک ولایت بیکی

از غیر صحتی ترین و اسیرسازی هزاره ها و کافرهای بیچاره و فروش آنها به حیث بردگان، اتهامات دیگری مانند اعمال آشکار استبداد و ظلمی نشنیدم که در حکومت های استبدادی معمول است. تجارت از طریق قلمروی کندز بدون مزاحمت عبور می کند. مالیه پائین است و بعضی منسوجات مانند شال ها با تخفیف کامل مواجه است. مردم همچنان از پرداخت مالیه ابریشم به هنگام بودن ما در کندز معاف بودند. بزرگترین هراس در زیر زحمات این رئیس وحشت نام برتانیه است، طوریکه در برخورد سنگین با آقای مورکرافت و دستة ما نشان داد. او در مورد اشغال کنندگان هند مظنون بوده و کار زیادی ضرور است تا شک و تردید او مرفوع شود. مراد بیگ حدود 40 سال دارد؛ قد او بلند و چهره او مانند یک ازبیک اصیل است: چشم های او کوچک و بدشکل است؛ پیشانی او گشاد و در هم کشیده و تمام قواره او بسیار زننده است. او معتاد به افراط نبوده و در لذات خود میانه رو است. یک شخص روحانی در تالقان که حدود 35 میل از مرکز او فاصله دارد، قدرت زیادی بالای او دارد. او در زندگی اولیه مرهون این مرد برای خدمات و مشوره بوده است؛ او مطلوبی ندارد که از جانب او رد شود. او در این اواخر یکی از دختران خود را به ازدواج پسر او درآورده است. مراد بیگ دو پسر دارد که یکی از آنها یک جوان 18 ساله بوده و دارای آینده معلوم میشود.